

وحشت از مبارزه ضد سرمایه‌داری کارگران



بهرام دزکی / اسفند ۱۴۰۰

افزایش دستمزد خواست روز ما است!! و در دراز مدت خواهان نابودی سرمایه‌داری هم هستیم!! اگر ما، تمام عمر و نسل بعد از نسل، سرمایه طبقه سرمایه‌دار را تولید کنیم، و انتظار و مبارزه خود را به داشتن حداقل خورد و خوراک یا دارو و پوشاک برای ادامه کار مزدگیری محدود سازیم، چگونه می‌خواهیم یک طبقه آماده برچیدن بساط سرمایه‌داری و برپائی جامعه‌ای آزاد، انسانی، بدون استثمار، طبقات، دولت، بدون کار مزدی و ستمکشی طبقاتی شویم!! چگونه می‌توان حنظل کاشت، حنظل آب داد و پرورد و ناگهان زعفران درو نمود. سرمایه‌داری را جنبشی می‌تواند ساقط و نابود سازد که در سنگ بنای خود تجلی واکنش خودجوش و طبیعی فکر و زندگی کارگر در مقابل استثمار و درندگی سرمایه باشد، جنبشی که این اعتراض، مبارزه و شورش را ضد سرمایه‌داری پرورش دهد، در مسیری پیش برد که مسیر رشد و بلوغ به عنوان یک قدرت سازمان یافته ضد کار مزدی باشد.

شش تشکلی که خود را مدافع کارگران می‌نامند طبق روال آخر هر سال در باره میزان دستمزد بیانیه داده و این بار سعی کرده‌اند تا بیانیه خود را بیشتر از سالهای قبل، به لفظ ضدیت با سرمایه‌داری آراسته کنند!! اما باز هم تمام حرفشان بر همان پاشنه رفرمیستی می‌چرخد. این که: افزایش دستمزدها متناسب با "میانگین هزینه هر خانوار" باشد!! به بیان دیگر برای بازتولید نیروی کارشان و همیشه کارگر ماندنشان ولو بسیار حقیرانه و ذلیلانه کفاف دهد!! سؤال هر کارگر ضد سرمایه‌داری از این ۶ گروه آنست که: آیا التماس به آستان سرمایه برای چند ریال مزد بیشتر، مبارزه با سرمایه‌داری است؟! مگر نه این است که کل حرفتان این است که هزینه معاش ما را بدهید تا با رضا و رغبت برده مزدی بمانیم و سود و سرمایه تولید کنیم. کجای این تقاضا ضد سرمایه‌داری است؟! جوابی که اینان همیشه حاضر و آماده در آستین دارند این است که:

مزدی را چپ روی و خیالبافی می دانند. مطابق فرمیسم بسیار سخت جان اینان، کارگران فعلا باید برای افزایش دستمزد با سرمایه داران چک و چانه بزنند، به مبارزه قانونی روی آورند، به بندهای قانون اساسی و قانون کار آویزان شوند، به مجلس و وزارت کار دخیل بندند و همزمان منتظر ظهور رهبران بمانند تا مجوز مبارزه برای محو و نابودی سرمایه را صادر کنند. گرد هم جمع شدنشان از بالای سر و به نیابت از کارگران تحت عناوین سندیکا، کمیته و هر اسم دیگری بهترین گواه این ادعاست که در نزد آنها مبارزات شورایی سرمایه ستیز کارگران محلی از اعراب ندارد. اگر ستیز با سرمایه را امر خود جوش و ذاتی بدون فرمانده و رهبر از جانب کارگران بدانند موضوعیت خود را زیر سؤال برده اند.

ضد سرمایه داری یک ایمان مذهبی منتظر ظهور مهدی موعود یا بازگشت عیسی مسیح نیست که تمامی عمر خود را با آن به عبادت سرمایه مشغول سازی و در همان حال منتظر منجیان برای از بین بردن سرمایه داری باشی!! مبارزه واقعی علیه سرمایه یعنی اینکه همین الان با قدرت شورائی متشکل خود، حجم هر چه عظیم تر حاصل کار و تولیدمان را از دست سرمایه داران و دولت سرمایه خارج کنیم و به بهبود معیشت، استفاده رایگان از آب، برق، گاز، خوراک و پوشاک، مسکن، تلفن، اینترنت، دکتر، دارو، بیمارستان، مهد کودک، مدرسه و دانشگاه اختصاص دهیم. همه اینها را حق بدون هیچ قید و شرط کل افراد جامعه اعم از شاغل یا جویای کار بدانیم. نویسندگان اعلامیه ۶ تشکل یا محافل مشابه تا روزی که تاریخ استمرار دارد، سخن گفتن از مبارزه ضد کار

